

نگاه

عوامل پسرقت در محیط زیست

کشورهای جهان نیز وجود دارد و آن هم وجود ۳ وزارتخانه نیرو، نفت و صنعت و معدن است که این ۳ وزارتخانه بیشترین سهم را در تولید آلاینده‌های محیط زیستی و آلودگی هوا، آب و خاک برعهده دارند.

صحت از تعطیلی یا عدم فعالیت آنها نیست، بلکه سخن از مدیریت درست، فرهنگ سازی و صرف مقداری از درآمد‌های این وزارتخانه‌ها به حفاظت از محیط زیست است که متأسفانه در کشور ما آن طور که باید و شاید به آن پرداخته نمی‌شود. اما باید این نکته را مورد توجه قرار داد که زمانی که سخن از فرهنگ سازی به میان می‌آید، این امر باید از کودکی و سنین پایین به کودکانمان آموزش داده شود و ما در این زمینه خوشبختانه در حال حاضر ۳۰ مدرسه محیط زیست نیز در کشور داریم که این مدارس در دولت جدید بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما باید دید که آیا این مدارس کار خود را به درستی انجام می‌دهند؟ آیا معلمان‌ها در این مدارس کار می‌کنند از انگیزه کافی برای چنین کاری برخوردارند؟ از این رو باید تمامی این موارد را به دقت مورد بررسی قرار داد، از سوی دیگر نه تنها کشور ما، که کل کره زمین با مشکلات عدیده محیط زیستی مواجه

است. یکی از اصلی ترین این مشکلات گسترش دامپروزی‌های صنعتی است، این نوع از دامپروزی براساس گزارش سازمان ملل که تحت عنوان «سایه بلند احشام» و در سال ۲۰۰۶ ارائه شد، عامل تولید ۸۰ درصد از گاز متان در سراسر کره زمین هستند که البته مزارع برنج نیز از جمله دیگر تولیدکنندگان اصلی گاز متان به شمار می‌روند که این موارد تخریبی به آب‌های سراسر کره زمین نیز تسری یافته است و ما در حال حاضر با آب‌های آلوده در سراسر جهان مواجه هستیم. اما در نهایت باید گفت آنچه محیط زیست ما را به نابودی کشانده و طبیعت ما را به ورطه خرابی رسانده است، در تفکر و تغذیه ما است و نه در چیز دیگر.

چنانچه ما نگاه و تفکرمان و همچنین تغذیه خود را درست کنیم، می‌توانیم محیط زیست سالمی داشته باشیم. از این رو ما ۲ طرح تحت عنوان «بشقاب سبز» و «بشقاب سلامت دولت و ملت» را به سازمان محیط زیست ارائه داده‌ایم که با عملیاتی شدن این دو طرح می‌توانیم محیط زیست و تغذیه سالمی داشته باشیم. بشقاب سبز، طرحی است که در آن دوشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها همه مردم به جای استفاده از پروتئین حیوانی، از پروتئین گیاهی استفاده کنند و بشقاب سلامت نیز طرحی است که در آن از برنج قهوه‌ای و نان سبوس دار به جای برنج سفید و آرد سفید استفاده شود.

باجرای شدن این دو طرح در کشور می‌توان تا حدود ۵۵ درصد در مصرف آب کشاورزی صرفه جویی کرد و به این ترتیب نه تنها از بحران بی‌آبی نجات می‌یابیم، بلکه تغذیه و محیط زیست ما نیز بهبود می‌یابد. تمامی این موارد در نهایت اما با تغییر در تفکر و با کمک و خواست مردم و البته دولت ممکن خواهد بود و غیر این صورت نمی‌توان کاری از پیش برد.



بابک تونچی

فعال محیط زیست
مدیر بنیاد حرمت حیات



محیط زیست و مشکلاتی که در حال حاضر گریبان آن را گرفته، بسیار گسترده و عمیق است اما در گام نخست ما باید عوامل پسرقت را با دقت مورد بررسی قرار دهیم، چرا که محیط زیست و طبیعت به صورت استاندارد به دست ما رسیده و این ماییم که نتوانسته‌ایم از آن به درستی استفاده کنیم و از این رو موجبات پسرقتش را فراهم کرده‌ایم.

حال چنانچه بخواهیم مواردی را که مانع پیشرفت فعالیت در حوزه محیط زیست شده است و از سویی سد راهی بر سر عملکرد فعالان آن نیز بوده را برشماریم، باید به سه مورد اشاره کنیم، مورد نخست مقوله فرهنگی است. متأسفانه مردم به عنوان کسانیکه بیشترین بهره را از محیط زیست می‌برند، اعتنایی به وضع زیست و طبیعت خود ندارند و مردم ما، از زمانیکه از خواب بیدار می‌شوند تا پایان شب، آلوده‌کننده ترین نوع زندگی را به نسبت مردم بسیاری از کشورهای دیگر دارند. برای مثال هر کدام از آنها از ماشین شخصی و به صورت تک سرنشین

استفاده می‌کنند یا از محصولات صنعتی و ظروف یکبار مصرف و بسته بندی کارخانه‌ای استفاده می‌کنند که این محصولات از جمله اصلی ترین عوامل تخریب محیط زیست به حساب می‌آیند و اما همچنان فرهنگ عدم استفاده از آنها نهادینه نشده است. این امر در حالی است که در فرهنگ ما نگرانی از محیط زیست امری اصیل و ریشه دار بوده اما متأسفانه به همان اندازه که ما از فرهنگ اصلیمان دور شده‌ایم، طبیعت و محیط زیست رانیز بیشتر به سمت نابودی کشانده‌ایم.

مورد دوم که دارای اهمیت شایانی است، عدم توجه مسئولان داخلی و بین المللی به مباحث مربوط به محیط زیست است. این امر در کشور ما و به خصوص در هشت سال گذشته چنان شدت یافت که به یقین می‌توان گفت که با حدود ۶۰ درصد افت در استانداردهای محیط زیست مواجه شدیم. افت استانداردهای محیط زیست نه تنها

ضررهای جبران ناپذیری را به کشور وارد ساخت، بلکه در حال حاضر ما باید بسیاری از راه‌های از پیش رفته را دوباره برویم و این در حالی است که دولت برای پیشرفت در این زمینه نه تنها گام موثری برنداشت، بلکه عامل پسرقت نیز بود و این پسرقت به طرق گوناگون

و با دلایل مختلف رخ داد. از سوی دیگر، با وجود داشتن بیش از ۱۰۰ شبکه تلویزیونی و رادیویی، هیچ تبلیغ درستی برای حفاظت از محیط زیست صورت نمی‌گیرد و ما حتی یک شبکه مستقل محیط زیستی نیز نداریم و برنامه‌سازان این حوزه نیز همواره با کمبود بودجه برای تولید برنامه مواجه هستند. اما مشکل سوم، مشکلی است که مانند مشکل قبلی، نه تنها در ایران، بلکه در سایر

به وسیله چنین معیشتی حد و توان بهره‌برداری و تولید هر قطعه از آب و خاک این کشور به تجربه و دانش بومی مشخص بود و میزان مصرف هر کسی با نیاز و توان تولیدش تناسب داشت که در آن ارزش هر چیزی اعم از اشیاء و زمین مبتنی بر درجه فایده و در واقع ارزش واقعی آن بود. اکنون متأسفانه گرایش عمومی در زمینه اشتغال به سوی اقتصاد واسطه‌گری است که به‌طور مثال روی زمین نرخ گذاری‌های غیر واقعی بر اساس مکانیسم دلالی صورت می‌گیرد.

نتیجه چنین اقتصادی این است که کشاورزی و تولید پایدار کم ارزش شده و به جای آن خرید و فروش زمین‌های کشاورزی برای ساخت و سازهای تفریحی (مانند ویلا سازی) رونق می‌گیرد. تا نتوانیم احاد جامعه را از دلالی و راحت طلبی به سوی تولید سوسق دهیم، آب و خاک این مملکت در دستان مشتئی دلال چرخیده و در این میزان به تنها چیزی که بهاء داده نمی‌شود محیط زیست است.

استدلال گریزی

ظاهراً امروزه مردم به دلیل گسترش وسایل ارتباط جمعی با اطلاعات مختلفی سرو کار داشته و در جریان موضوعات گوناگونی قرار می‌گیرند اما روی دیگر این سکه فرار از تفکر عمیق و استدلال است که این امر در کلام یکی از اساتید فلسفه به استدلال گریزی مردم امروز تعبیر شده است. در عمل مقومش این است که بشر امروز به عواقب منطقی کارهایی که می‌کند نمی‌اندیشد.

در زمینه محیط زیست تاثیرات مخرب بسیاری از فعالیت‌های روزمره انسان جدید کاملاً واضح و غیر قابل انکار است اما استدلال گریزی منجر به آن می‌شود که این بشر خود را به فراموشی زده و در نتیجه حتی مضرات کاملاً شخصی کارهای خود را نبینند به‌طور مثال وقتی با موضوع تغذیه سالم با مواد سالم روبه‌رو شده و باخطر ناشی از مصرف محصولات غذایی مسموم و مضر روبه‌رو می‌شود حاضر نیست لختی در این باره ببیند و این خطر را برای خود کمتر کند. بدین ترتیب میدان برای جولان انواع محصولات کشاورزی آلوده به باقیمانده سموم کشاورزی و مسموم با کودهای شیمیایی (چه وارداتی و چه داخلی) باز می‌شود. همچنین محصولات کشاورزی تغییر ماهیت یافته و به شدت خطرناک دستکاری شده ژنتیک حساسیت در خوری را بر نمی‌انگیزد. نیز مواد نگه دارنده مشکوک در صنایع بسته بندی غذایی روبه تغذیه مردم را تغییر نمی‌دهد.

در برابر چنین دلایل قاطع و ساده‌ای که تنها نیاز به اندکی اندیشیدن در مورد عواقب مصرف روزانه‌مان دارد با پاسخ‌های عجیبی که از سر بی‌حوصلگی و تنبلی فکر صادر می‌شود روبه‌رو می‌شویم مانند این که: همه مردم چنین محصولاتی را مصرف می‌کنند یا این که این همه مواد سمی در زندگی ما موجود است و این هم به آنها اضافه شده و دیگر این که چرا تا حالا مبتلا به مشکلی نشده‌ایم و فراوان از این پاسخ‌های ناشی از استدلال گریزی...

تا نتوانیم ارزش تفکر و استدلال منطقی را به جایگاه اصلی خود باز گردانیم و تا زمانی که به احاد جامعه نیاموزیم که انبوه اطلاعات جای لحظه‌ای تفکر را نمی‌گیرد، اطلاع‌رسانی زیست محیطی صرف، راه به جایی نخواهد برد.

سنت گریزی

درخت افکن بود کم زندگانی
به درویشی کشد نخچیر بانی

هزاران سال زندگی مردم ایران در این سرزمین و سازگاری با شرایط اقلیمی آن و به‌ویژه آموزه‌های چند هزار ساله توحیدی از زرتشت بزرگ گرفته تا دین مبین اسلام، ملتی را تربیت کرده بود که برای تک‌تک عناصر طبیعت و محیط اطراف خود ارزش ویژه‌ای قابل بودند. این‌جا سرزمینی است که سنت‌های این کشور اجازه آلوده کردن آن را در آن نمی‌دهد. این‌جا کشوری است که گیاهان در آن سبیل زیبایی، شش و تعادل هستند.

این‌جا جایی است که اعتقادات مردم، آنها را به سوی تفکر در نشانه‌های پروردگار (در مظاهر خلقت) سوق می‌دهد و هزاران نمونه دیگری وجود دارد که در یک نظام حقیقی، حافظ طبیعت و سلامت یک ملت و کشور می‌تواند باشد. با دست دادن تدریجی و بعضاً ناگهانی بسیاری از سنت‌ها و اعتقادات ملت، با تخریب تدریجی یا ناگهانی بسیاری از زیستگاه‌ها روبه‌رو شده و سلامت احاد جامعه را در معرض خطر می‌یابیم.

چنین است که به‌ظاهر کارشناسانی اظهار می‌دارند که آمده‌اند تا با سدا سازی از هدر رفت آب جلوگیری کنند! گویانمی‌دانند که خداوند حکیم چرخه آب را چگونه باعث بقای حیات قرار داده است یا این که نسل کشی حیوانات را بی‌اهمیت جلوه می‌دهند در حالی که در اعتقادات عمیق و حقیقی این ملت - از تمامی ادیان و مذاهب - حضرت رضا علیه‌السلام را به ضامن آهو می‌شناسند یعنی کسی که حتی به مرگ نا بحق یک رأس حیوان راضی نبود. چنین است احترام گذشتگان ما به نان، خاک، درخت، آب، پایی، شادی، موسیقی، ادب، صبر، از خود گذشتگی، متانت، نودوستی، اسب دوستی و هزاران نمونه دیگر که هر یک از آنها به تنهایی برای شناخت رابطه این ملت با محیط زیست کافیست.

تا ارزش سنت‌هایمان را درک نکرده و در حفظ و احیای آنها کوشا نباشیم، در عرصه حفظ محیط زیست و آموزش آن به نتیجه در خوری نخواهیم رسید.

حافظان واقعی محیط زیست تک‌تک افراد این مملکت باید باشند که این امر با خودباوری و احترام به میراث فرهنگی و طبیعی‌مان حاصل می‌شود.



عکس: مهرنگار ایرانیان

ریشه‌های مشکلات زیست محیطی کشور

کاسه چشم حریصان پر نشد

آرش خیراندیش | فعال محیط زیست

حجم عظیم زباله چگونه تولید می‌شود.

جامعه مصرف‌گرا بنا بر سبک زندگی‌ای که اختیار کرده به‌صرف روزافزون کالاهایی می‌پردازد که عمدتاً کمتر فایده‌ای برای خود و جامعه داشته که می‌توان به‌طور مثال لوکس‌گرایی را از اهداف اصلی آن دانست. اگر به نقش و وزن بالای رفتار مصرف‌گرایی در تخریب محیط زیست بی‌توجه باشیم در واقع ریشه قسمت عمده‌ای از مشکلات را درک نکرده‌ایم.

خودخواهی

چه می‌توان گفت به کسانی که با تخریب جنگل برای خود و ویلایی دست و پا می‌کنند تا سالی تنها چند روز در آن بیاسایند؟ جز این نیست که این رفتار مخرب زیست محیطی ناشی از حس خودخواهی بوده و براساس آن افراد برای رضایتمندی شخصی به منافع جامعه بی‌توجه می‌شوند. در واقع اگر با مشکل خودخواهی کمتر روبه‌رو بودیم نیازی به چانه‌زنی، فشار و حتی اعمال قانون با تک‌تک افراد و مسئولان مخرب عرصه‌های طبیعی نبودیم. در این‌جا نقش پررنگ آموزه‌های اخلاقی در آموزش محیط زیست آشکار می‌شود. کافیست افراد درک کنند که هر گونه رفتار آنها با جامعه و محیط زیست به خودشان بازگشت می‌کند. در آن صورت آموزش مقدماتی محیط زیست کافی خواهد بود تا آنها را متوجه این امر کند که به‌طور مثال تخریب خاک و پوشش گیاهی یا تخریب رودخانه ناشی از فعالیت‌های عمرانی و صنعتی چه اثرات جبران ناپذیری بر جامعه و در نتیجه شخص آنها خواهد داشت. هم‌اکنون با تعداد بیشمار از فعالیت‌های

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتر زیست معرفت کردگار

وضعیت محیط زیست کشور ما امروزه به گونه‌ای است که نه تنها فعالان و دلسوزان محیط زیست بلکه بسیاری از کسانی که تاکنون با این موضوع بیگانه بوده‌اند، نسبت به آن حساس شده یا حداقل این‌که از بعضی از امساق‌های بازار آن آگاهی یافته‌اند.

خشک شدن دریاچه نسبی ارومیه، خشک شدن زاینده‌رود، وجود زباله‌های انبوه، آلودگی هوای شهرهای بزرگ و پدیده گرد و غبار گسترده در کشور از جمله موضوعاتی است که طی سال‌های اخیر قسمت عمده‌ای از اهالی کشور از آنها آگاهی یافته‌اند. اما آیا صرف آگاهی یافتن از مشکلات زیست محیطی می‌تواند برای رفع آنها یا حداقل کردن اثرات آنها کافی باشد؟ حس زیست محیطی ناشی از جنس به بررسی ریشه‌های به وجود آمدن مشکلات زیست محیطی در کشور بپردازیم. پیش‌فرض ما در این بررسی این است که تغییرات به‌وجود آمده در یک جامعه ناشی از مجموعه در هم تنیده‌ای از رفتار عمومی جامعه و تصمیمات مسئولان است که در این میان شروع تغییر و اثربخشی آن از متن جامعه شروع می‌شود.

چندین رفتار مشخص در میان مردم کنونی جامعه ما دیده می‌شود که اثرات مشخصی بر رفتار زیست محیطی آنها دارد بروز این رفتارها را به راحتی می‌توان در عملکرد تصمیم‌گیران کلان کشور مشاهده کرد. در این‌جا لازم است بیان شود که هم‌اکنون بسیاری از این رفتارها جهانی بوده و کم و بیش در بسیاری از کشورها مشاهده می‌شود.

مصرف‌گرایی

متأسفانه امروزه اقتصاد را بر پایه تولید و مصرف انبوه می‌شناسند. این نوع رفتار عمومی منجر به تهر شدن زمین از منابع خود شده و آلودگی‌های فراوانی را بر آن تحمیل می‌کند. عجیب این جاست که از امحا و تفکیک زباله فراوان سخن می‌گویند اما به ندرت کسی این سوال را مطرح می‌کند که این